

درس یک - Glück im Alltag

written by مرتضی غلام نژاد | ژوئن 6, 2022

درس اول از کتاب Schritte Plus 5 با عنوان :

Glück im Alltag خوش شانسی در روزهای یکنواخت و کسالت آور

Alltag به روزهایی میگن که هر روز اونها مثل هم هستش و در اون یه سری اتفاقات کسالت آور و یکنواخت همیشگی اتفاق می افته و بعدش تموم میشه و باز فرداش هم به همین شکله.

در بخش A این درس با عنوان :

Das ist vor ein paar Jahren passiert, als ich in Österreich war

این سال ها قبل اتفاق افتاد ، زمانی که من در اتریش بودم

به جایگاه حرف ربط als و همچنین فعل جمله war دقت کنید.

دقیقا همانند فارسی وقتی حرف ربط توی جمله بیاد بعد از اون فعل به آخر جمله میره و این اتفاق خیلی جالب هستش و همانطور که قبلا گفتم بسیار نکات توی گرامر زبان آلمانی هست که نزدیک به گرامر فارسی می باشند و این کار مارو برای استفاده کردن از اونها کمی راحت تر میکنه.

البته als کاربردهای دیگه هم داره اما اینجا به عنوان حرف ربط هستش و در درس های دیگه حتما به آنها اشاره خواهد شد.

حرف ربط als هم همانند weil فعل جمله رو به آخر میبره.

Ich war in Österreich من در اتریش بودم

Als ich in Österreich war زمانی که من در اتریش بودم

حرف ربط als در این درس ، این معانی را نیز می تواند بدهد :

هنگامی که ، وقتی که

کی و چه زمانی از als استفاده می کنیم ؟

حالا که کمی موضوع روشن تر شده و ما معنی als رو درک کردیم و چند مثال هم با هم دیدیم یک نکته مهم به وجود میاد که یکی از معنی های کلمه wenn وقتی که ، هستش چطور اینها رو تشخیص بدیم و کی از wenn و کی از als استفاده کنیم ؟

همانطور که دیدید als رو زمانی بکار می بریم که یه اتفاق یا هر چیزی برای یکبار در زمان گذشته اتفاق افتاده و حالا ما از نظر زمانی می خواهیم بگیم وقتی که یا زمانی که اونجا بودم ، یا زمانی که اون بود و ... اما wenn که یکی از معنی های اون وقتی که ، هستش برای یه اتفاقی که شاید بارها و روزانه برای ما پیش بیاد و ما خواهیم به اون اشاره کنیم. مثلا وقتی که تو بیایی ، اینجا از wenn استفاده می کنیم اما اگر خواهیم بگیم وقتی که من ایران بودم ، اونوقت از als استفاده می کنیم. برای اینکه در زمان گذشته خیلی دور این اتفاق افتاده.

Als wir gefahren sind وقتی که ما حرکت کرده ایم. (زمانی که ما حرکت کرده ایم)

Wenn ich gelaufen bin وقتی که من میدوم.

در مثال اول که از als استفاده کرده ، اتفاقی هستش که در گذشته خیلی دور تر اتفاق افتاده اما مثال دوم اتفاقی هستش که شاید ۱۰ دقیقه پیش افتاده باشه ، وقتی که من میدوم مثلا پام درد میگیره که این درد گرفتن شاید الانم که بدوم باز اتفاق بیافته. پس نحوه استفاده این دو از نظر زمانی هستش

als برای زمان های دور تر و شاید خیلی دور تر

wenn برای گذشته اما نه خیلی دور بلکه گذشته خیلی خیلی نزدیک و حتی آینده

به مثال های زیر دقت کنید تفاوت wenn و als در جملات :

Wann bist du nervös? – Wenn ich mit meinem Chef spreche

کی تو عصبی هستی ؟ وقتی که با رئیس ام صحبت میکنم.

(Immer) wenn ich mit meinem Chef gesprochen habe, war ich nervös

(همیشه) وقتی من با رئیس ام صحبت میکردم، عصبی بودم.

یعنی من همیشه عصبی هستم وقتی با رئیسم صحبت میکنم،

Als ich letzte Woche mit meinem Chef gesprochen habe, war ich sehr nervös

وقتی هفته گذشته با رئیس ام صحبت میکردم، خیلی عصبی بودم.

که این عصبی بودن در اینجا دیگه همیشگی نیست یکبار اتفاق افتاده اون در گذشته یعنی یک هفته پیش و من فقط اون یکبار

عصبی بودم اما در جمله بالا ، همیشه من عصبی هستم وقتی که با رئیس ام صحبت میکنم و این در آینده هم می تونه باز اتفاق بی افته شاید ۵ دقیقه قبل هم اتفاق افتاده باشه

Wenn die Dämmerung beginnt, komme ich nach Hause

وقتی خورشید شروع به غروب میکند من به خانه می آیم.

خورشید هر روز غروب می کند و این اتفاق همیشگی هستش

wenn die Oma zu Besuch kommt, ist das Kind glücklich

وقتی برای اون مادر بزرگ مهمان می آید. آن بچه خیلی خوشحال است.

همیشگی هستش و مادر بزرگ همیشه مهمان دارد و این اتفاق بارها می افتد.

Als Morteza 22 Jahre alt war, ist er ausgewandert

زمانی که مرتضی ۲۲ ساله بود ، مهاجرت کرد

و این اتفاق برای گذشته دور هستش و یکبار اتفاق افتاده

Als Ashkan noch ein kleiner Junge war, sind seine Eltern gestorben

زمانی که اشکان هنوز یک نونهال بود ، پدر و مادرش فوت کردند.

اتفاقی در زمان گذشته خیلی دور است و یکبار هم اتفاق افتاده.

اگر چنانچه در این زمینه و با این توضیحات همچنان نامفهوم بود می تونید در زیر همین مطلب سوال و نظرتون رو بیان کنید.

بخش بعدی یعنی B با عنوان :

Am Nachmittag kamen plötzlich dunkle Wolken

در بعد از ظهر ناگهان توده ای از ابرها سیاه آمده اند.

kamen گذشته ساده فعل kommen هستش

که می تونید جزوء گذشته ساده رو از اینجا مطالعه کنید (دانلود کن)

که در اینجا اشاره کوتاهی به گذشته کامل دور و همچنین گذشته کامل داشته. اما در درس های آینده خیلی بیشتر روی این زمان ها کار خواهد شد. اما برای اینکه ما هم اشاره ای داشته باشیم توضیحاتی میدهم. مثلا من در فارسی میگم : من او را ملاقات کردم ، و یا میگم من او را ملاقات کرده بودم

در مثال بالا تفاوت در اینه که جمله اول فقط یک فعل گذشته داره که اونم ملاقات کردم هستش اما جمله بعدی دو تا فعل در زمان گذشته داره که اولی ملاقات کرده هستش و دومی بودم که با هم ترکیب شده اند. این اتفاق در زبان آلمانی نیز می افته البته نکات و توضیحات بیشتری نیاز هستش که ما در درس های آینده بی شک به اونها خواهیم پرداخت.

و مطالب گرامری این درس :

نکات گرامری این درس :

۱. کاربرد als و همچنین تفاوت آن با wenn

۲. زمان گذشته ساده

۳. زمان گذشته کامل

۴. تفاوت میان زمان گذشته کامل و زمان گذشته کامل دور تر (اشاره کوچیک)

موفق باشید.